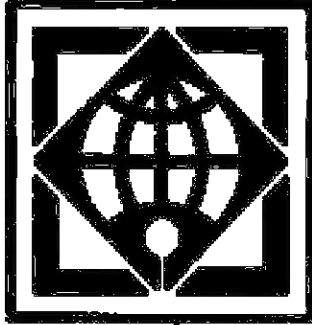


دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



INTERNATIONAL UNIVERSITY

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

عنوان: مبانی زیباشناختی سخن از دیدگاه عبدالقاهر جرجانی و بندتو کروچه و معاصران مشهور وی

استاد راهنما:

دکتر عبدالعلی آل بویه لنگرودی

استاد مشاور:

دکتر محمد میر حسینی

نگارش:

لیلا ورز

تاریخ:

تابستان ۸۹

تقدیم

به پدرم : معلم اخلاص و فداکاری که شکوفه های جوانیش را به پای من ریخت و در راه رشد و تربیت من پژمرد و با عشق اولین کتاب ایثار را گشود.

به مادرم : آموزگار عطوفت که در دستانش سیمای مهربانی و عشق و امید را دیدم و در سجاده نمازش نور خدا را به نظاره نشستم . او که نگاه های منتظرش را بدرقه راهم نمود و دعاهایش را توشه ی سفر زندگیم قرار داد.

و به همراه ترینم در تجربه لحظات تلخ و شیرین زندگی که در کنار او گام های موفقیت را در جاده زندگی استوارتر بر می دارم:

همسرم

تقدیر

با سپاس بی انتها از ایزد منان که توفیق انجام این تحقیق را به اینجانب عطا فرمود. وظیفه دارم سپاس خود را به همه ی کسانی که به نوعی در پرورش فکری ام مؤثر بوده اند و از محضر ایشان بهره ها برده ام تقدیم دارم. در انجام این رساله خود را مدیون راهنمایی های بی دریغ استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر آل بویه می دانم که با حوصله و نکته سنجی، و با کمال فرهیختگی اینجانب را در بهتر شدن رساله یاری نمودند و با نهایت لطف و بزرگواری افتخار راهنمایی در کار نوشتن و به انجام رسانیدن این مهم را به شاگرد خویش بخشیدند. عزت افزون تر و دوام وجود ایشان را از خداوند خواستارم.

همچنین سپاس گذاری خود را از استاد فرزانه ام جناب آقای دکتر میرحسینی که با نظرات ارزشمند خود اینجانب را رهین منت خویش فرمودند، ابراز می دارم. در آخر بر خود لازم می دانم سپاس بی کران خود را از تمامی اساتید محترم گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) ؛ جناب آقای دکتر پاشا زانوس ، دکتر ناظمیان و دکتر شیخی که در طی مراحل علمی اینجانب را یاری نمودند، اعلام دارم.

« چکیده »

نقد ادبی مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته و در این مسیر قضایای گوناگونی در آن مطرح شده است که دامنه ی آن را گسترش داده و آن را به کانونی بحث برانگیز مبدل ساخته است. از مهم ترین موضوعاتی که شاخه ای جدید به نقد افزوده است، مبحث «زیبایی شناختی» در اثر ادبی است که در ارتباط با پیشینه ی آن می توان گفت بذره های اولیه ی آن در نزد فلاسفه ی قدیم یونان از جمله ارسطو و افلاطون پاشیده شد. و موضوعی که این اندیشمندان به طور خاص به آن پرداخته اند، مسئله «وحدت و ترکیب» عناصر در اثر هنری است که مبدأ تحقیق و بررسی های منتقدان و دانشمندان معاصر در دوران های بعد قرار گرفت. ولی برجسته ترین شخصیتی که این موضوع را به نحوی هنرمندانه و دقیق مورد کنکاش قرار داده، عبدالقاهر جرجانی دانشمند، سخن شناس و ادیب اسلامی است که اندیشه ها و آرای خود را در نظریه ای منسجم و تکامل یافته به نام «نظریه ی نظم» ابراز داشت و درصدد بیان این اصل مهم بود که آنچه به یک اثر ادبی حسن و زیبایی می بخشد هماهنگی اجزاء و ترکیب نیکوی آن ها است.

در ادبیات غربی اصطلاح فلسفه زیبایی شناسی را نخستین بار شخصی به نام « الکساندر گوتلیپ بومگارتن» در نیمه ی دوم قرن هیجدهم به کار برد. از مهم ترین مسائل مطرح شده در این نوع نقد، نقش و ارتباط هر یک از عناصر لفظ و معنی (شکل و مضمون)، عاطفه، خیال، و هماهنگی های صوتی در اثر ادبی است که به کانون توجه اندیشمندان اسلامی و غربی تبدیل شد. از جمله منتقدان غربی که در این حوزه به کاوش و بررسی پرداختند منتقد ایتالیایی « بندتو کروچه » و منتقد انگلیسی « آیور ارمسترانگ ریچاردز» می باشد. آن ها در این زمینه به نتایجی رسیدند که سال ها قبل، عبدالقاهر بدان ها دست یافته بود. او در کشف بسیاری از حقایق هنری، گوی سبقت را از آن ها ربود و علم بلاغت را که در ارتباطی تنگاتنگ با این نوع نقد قرار دارد به اوج تکامل و بالندگی رساند.

واژه های کلیدی: زیبایی شناختی، وحدت، عبدالقاهر جرجانی، نظریه ی نظم، بومگارتن،

کروچه، ریچاردز

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
أ	مقدمه
۱	فصل اول : تاریخ بلاغت و زیبایی شناسی در ادبیات عربی و غربی
۲	الف) بررسی بلاغت عربی به عنوان پیشینه زیباشناختی از ابتدا تا عصر عبدالقاهر
۲	ریشه های نقد و بلاغت عربی
۵	جریان نقد و بلاغت در ادب اسلامی و نقش اسلام در تحول آن
۶	پیدایش خطابه و نویسندگی
۷	روند گسترش و پیشرفت نقد و بلاغت
۸	پیدایش غزل
۹	شکل گیری گرایش های مختلف نقدی
۹	نقش کتابت در گسترش نقد و بلاغت
۱۰	عصر طلایی بلاغت سخن ، ظهور فن ترجمه و تحول بلاغت
۱۱	گسترش دامنه ی بلاغت با اعتلای فرهنگ نویسندگی
۱۲	پیشگامان نوآوری در حوزه ی ادب
۱۳	لغوی ها ، نحوی ها ، متکلمان
۱۶	صحیفه بشر بن معتمر و تأثیر آن بر دیدگاه جاحظ
۱۸	قرآن نمونه ی عالی بلاغت
۱۹	جایگاه لغوی ها در تکامل بلاغت
۲۰	ظهور بدیع
۲۲	تأثیر نقد و اندیشه یونانی بر ادبیات عربی و انعکاس آن در آثار قدامه بن جعفر
۲۴	دیدگاه بلاغی ابوهلال عسکری
۲۵	درخشش تحقیقات بلاغی قرآن
۲۷	آراء ابن رشیق و ابن سنان در زمینه بلاغت و زیبایی کلام
۳۰	عبدالقاهر طلیعه دار بلاغت

۳۳	ب) گذری بر تاریخ زیبایی شناسی غرب از آغاز تا عصر ریچاردز
۳۳	ریشه های زیبایی شناسی در غرب
۳۵	افلاطون و مسأله محاکات
۳۸	ارسطو نماینده ی نقد در یونان
۴۰	نظریه کاتارسیس
۴۰	فایده محوری اثر از دیدگاه ارسطو
۴۱	بومگارتن و ظهور اصطلاح زیبایی شناسی
۴۲	رویکردهای زیبایی شناسی
۴۳	کانت و هگل
۴۶	بندتو کروچه و مفهوم بیان از نظر او
۴۸	کالینگوود
۴۹	ریچاردز
۵۰	خلاصه کلام
۵۲	فصل دوم : عناصر زیباشناختی کلام
۵۳	الف) الفاظ و جایگاه آن ها در تشکیل اثر ادبی
۵۳	لفظ
۵۵	لفظ گرایی و پیروان آن : جاحظ
۵۶	ابن قتیبه
۵۷	قدامه بن جعفر
۵۹	أبو هلال عسکری
۶۰	ابن رشیق
۶۲	اهمیت به لفظ در نقد عربی و غربی
۶۲	تحقق هدف اثر با لفظ
۶۳	لفظ و موضوع
۶۵	ب) معنی
۶۵	تفاسیر مختلف پیرامون معنی یا مضمون
۶۶	دیدگاه ادبا و منتقدان در باب معنی
۶۸	ایراد کلام مطابق با مقتضای حال و مقام مخاطب
۶۹	تأثیر جایگاه مخاطب در خلق مضامین
۷۰	ایجاد طرح کلی از معانی
۷۰	غایت اثر هنری

۷۱	نقش اندیشه در محتوای خلق ادبی
۷۳	معنی و قصد و نیت مؤلف
۷۴	جنبه اخلاقی در مضمون
۷۵	ارزیابی اثر بر اساس وحدت محتوا با صورت
۷۶	پ) عاطفه
۷۶	تعریف عاطفه
۷۷	اتحاد عاطفه و عقل در اثر ادبی
۷۸	تجربه احساسی فردی و همگانی
۷۹	نقش عاطفه در تکوین اثر و درک آن
۸۰	انواع عواطف ادبی
۸۲	اهمیت عاطفه در نزد اندیشمندان یونانی
۸۳	حضور پررنگ عاطفه در شعر
۸۵	مقیاس های عاطفه
۸۷	ت) خیال
۸۷	خیال و پیوند آن با محاکات
۸۸	نقش خیال در ابداع و ابتکار ادبی
۸۹	اهمیت صور خیال
۹۱	نقش خیال در خلق افق های جدید در اثر
۹۲	کولریج و خیال
۹۳	خیال، عنصر وحدت بخش
۹۳	انواع خیال
۹۴	تأثیر کلام مخیل
۹۵	پیوند خیال با عاطفه و وزن
۹۶	صور خیال در قرآن
۹۹	ث) موسیقی
۹۹	نقش آهنگ در إحياء کلمات
۱۰۰	نقش موسیقی در بیان تجربه شاعرانه
۱۰۱	جایگاه موسیقی و آهنگ در اثر ادبی
۱۰۲	وحدت وزن و آهنگ با سایر عناصر اثر ادبی
۱۰۳	رابطه ی آهنگ و موضوع
۱۰۵	آهنگ در شعر و نثر
۱۰۶	موسیقی در قرآن

۱۰۸	آهنگ در حروف
۱۰۹	خلاصه کلام
۱۱۱	فصل سوم : عبدالقاهر جرجانی و آراء زیبایی شناسانه ی او در حوزه ی کلام
۱۱۲	الف) شرح حال و آثار شیخ عبدالقاهر جرجانی
۱۱۹	ب) آراء زیبایی شناسانه ی عبدالقاهر در حوزه ی کلام
۱۱۹	شناخت اعجاز بلاغی قرآن، نخستین گام عبدالقاهر
۱۲۱	عبدالقاهر واضع علم معانی و بیان
۱۲۳	ظهور نظریه ی نظم
۱۲۴	تعریف نظم از نظر عبدالقاهر
۱۲۵	نظم و منظور نمودن مقاصد نحوی دلیل اعجاز قرآن
۱۲۶	اقتضای علم نحو در راستای افاده ی مقصود
۱۲۷	رابطه ی شکل نحوی و معانی کلام
۱۲۸	نحو و رابطه ی معنوی میان کلمات
۱۲۹	ارتباط نحو و بلاغت
۱۳۱	اصول نحو ، معیار سنجش حسن نظم کلام
۱۳۳	اهمیت جایگاه نحو در دلالت بر معانی
۱۳۷	لفظ و معنی از دیدگاه عبدالقاهر
۱۳۷	نظم حروف
۱۳۸	نظم کلمات
۱۳۹	نظم معانی در نفس و نقش اندیشه در آن
۱۴۱	ترتیب الفاظ تابع ترتیب معانی در ذهن
۱۴۲	اهمیت معانی در شکل گیری کلام از دید عبدالقاهر
۱۴۳	فضیلت معنا و موقعیت کلمه از نظر عبدالقاهر
۱۴۵	حسن نظم و ارتباط اجزاء در ساختار قرآن
۱۴۸	ساختار ، تعیین کننده ی نقش و معنای مفردات
۱۵۰	مراحل انتخاب الفاظ
۱۵۱	معیارهای برتری کلام
۱۵۳	اقتضای عقل در نظم کلام
۱۵۴	برتری لفظ به اعتبار معنی و موقعیت آن
۱۵۵	محورها و معیارهای انتخاب الفاظ
۱۵۶	اسناد فصاحت به لفظ به اعتبار ساختار
۱۶۱	شکل گیری اثر ادبی با محوریت نحو

۱۶۴	بیان عادی و بیان آراسته یا نثر مرسل و مصنوع از دید عبدالقاهر
۱۶۹	عدم تفکیک بیان عادی و آراسته از دیدگاه عبدالقاهر
۱۷۳	معنای معنا از دیدگاه عبدالقاهر
۱۷۸	خلاصه کلام
۱۷۹	فصل چهارم: زیبایی شناختی سخن از دیدگاه بندتو کروچه و آیور ارمسترانگ ریچاردز
۱۸۰	الف) بندتو کروچه و دیدگاه زیباشناختی او و ارتباط او با عبدالقاهر
۱۸۰	شرح حال و آثار بندتو کروچه
۱۸۴	زیبایی شناختی سخن از دیدگاه کروچه
۱۸۶	مفهوم بیان
۱۸۷	شکل و مضمون
۱۹۰	عدم جدایی شکل و مضمون از دیدگاه کروچه
۱۹۳	نفوذ اندیشه های عبدالقاهر در غرب
۱۹۵	وحدت شکل و مضمون از دیدگاه کروچه و ارتباط آن با آراء عبدالقاهر
۱۹۷	مضمون احساسی در نظر کروچه
۲۰۰	تأثیرگذاری اثر بر مخاطب
۲۰۱	خیال و نقش آن در وحدت بخشی به کلام
۲۰۳	ارزش بیان در انتقال مضمون و احساسات
۲۰۵	بیان و نقش صور خیال در آن
۲۰۷	بیان عادی و آراسته و عدم تفکیک آن ها از دیدگاه کروچه
۲۲۰	صدق بیان از نگاه کروچه
۲۲۲	خلاصه کلام
۲۲۴	ب) ریچاردز و دیدگاه زیبایی شناختی او و ارتباط او با عبدالقاهر
۲۲۴	شرح حال و آثار ریچاردز
۲۲۶	زیبایی شناسی سخن از نظر ریچاردز
۲۲۷	نزدیکی آراء ریچاردز به عبدالقاهر در وحدت شکل و مضمون
۲۳۱	تعریف و نقش عاطفه از دیدگاه ریچاردز
۲۳۳	عنصر وزن از دیدگاه ریچاردز
۲۳۴	نقش وزن در ساختار کلام از دید ریچاردز و مقایسه ی آن با نظر عبدالقاهر
۲۳۷	زیبایی بافت اثر از دیدگاه ریچاردز
۲۳۹	تأثیر پذیری ریچاردز از کولریج در مبحث خیال
۲۴۴	معنای معنا از دید ریچاردز
۲۴۹	خلاصه کلام

۲۵۲	نتیجه
۲۵۷	فهرست ها
۲۵۸	فهرست آیات
۲۶۰	فهرست اشعار
۲۶۱	فهرست اعلام
۲۶۶	فهرست منابع عربی
۲۷۱	فهرست منابع فارسی
۲۷۳	فهرست منابع لاتین
۲۷۴	نمایه ها
۲۷۵	مقالات الکترونیکی

« مقدمه »

زیبایی‌شناسی در مفهوم کلی آن از دانش‌های نوینی است که جایگاه گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. در حوزه‌ی این علم، هر هنری به صفات و خصوصیات و ارزش و ماهیتی مشخص متمایز می‌گردد و بررسی فلسفی و نقدی این جنبه‌ها زمان بسیاری را می‌طلبد. این امر هم در میان علماء و اندیشمندان اسلامی قابل توجه قرار گرفته و هم در میان ادباء و فلاسفه‌ی مغرب زمین به کانونی بحث برانگیز تبدیل شده است. در حوزه‌ی زیبایی‌شناسی مسائل و اصولی نهفته است که کشف و اظهار آن‌ها نیاز به زمان، دانش و مطالعه‌ی فراوان و دقیق دارد و باتکیه بر این اصول می‌توان از وظایف هر یک از هنرها آگاه شد.

در این تحقیق از میان انواع هنرها ادبیات به طور خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد و سعی بر آن است که با استفاده از تحلیل‌ها و بررسی‌های ارزشمند منتقدان و ادیبان، ظرائف و زیبایی‌هایی که در ساختار یک کلام وجود دارد نمایان گردد، در این صورت می‌توان از کنه اندیشه‌ی زیبایی‌شناسی که در ورای الفاظ و عبارات آن نهفته است نیز آگاهی یافت. و به همین سبب بود که نقد زیبایی‌شناسی شکل گرفت. «نقد زیبایی‌شناسی، نقدی است بر هنر که بر پایه‌ی اصول علم زیبایی‌شناسی یا استتیک استوار است و به بررسی اثر هنری، از جهت مزایای ذاتی و درونی و زمینه‌های حسن و نیکویی آن اهتمام دارد، بدون آن که محیط، عصر، تاریخ و ارتباط آن اثر را با شخصیت هنرمندی که آن را آفریده، در نظر بگیرد. در این نوع نقد این گونه فرض می‌شود که زیبایی‌دارای اصول و قوانینی است که طی قرن‌ها بدست آمده و می‌توان آن را از خلال گفته‌های متباین و بحث‌های مخالف درباره‌ی این موضوع استنتاج نمود و به عنوان معیار زیبایی در اثر هنری مورد نقد به کار برد.»^۱ بدین ترتیب در پی بررسی زوایای مختلف اثر هنری، با تکیه بر اصول زیبایی‌شناسی نقد مربوط به آن نیز شکل می‌گیرد و اثر را از جهت ظاهری و درونی مورد بررسی قرار می‌دهد و به حقایق مهمی درباره‌ی اثر و عناصر سازنده‌ی آن دست می‌یابد. به طور طبیعی هر علمی برای خود

۱. غریب، روز: نقد بر مبنای زیبایی‌شناسی و تأثیر آن بر نقد عربی، ص ۱۳

اصول ، احکام ، مقیاس و میزانی دارد که موضوع مورد نظر بر اساس آنها مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد.

در نقد زیبایی شناسی ، اندیشه نیز نقشی محوری دارد و اگر کلام ادبی بر پایه ی اندیشه ای درست استوار باشد زیبایی آن افزون تر می گردد . و فقط وجود عناصری چون خیال و عاطفه در آن کافی نیست، بلکه کلام ادبی و هر اثر هنری مجموعه ای واحد از عناصر منطقی، اندیشه، شکل و اسلوب، خیال و عاطفه است و در عین حال دریک اثر ادبی بلاغت و نحو و منطقی به هم درآمیخته اند و اثری قابل قبول را خلق کرده اند که هم عقل پسند است و هم مورد قبول ذوق است . علمای اسلامی و علمای غربی با نقد زیبایی شناسی آشنا بودند ،گرچه این نوع نقد در دوره ی برخی از آنان ، هنوز به عنوان علم مستقل مطرح نشده بود.

«نقد زیبایی شناسی عهده دار تشخیص میان حسن و قبح در اثر هنری است و در این کار بر ارکان زیبایی شناسی تکیه می کند ؛ به نقد تاریخی یا نقد لغوی نمی پردازد . نقد بیانی که ارتباطی محکم با ارکان زیبایی شناسی دارد ، ذیل آن قرار می گیرد.»^۱ این نوع نقد به طور مستقل عمل می کند و ارکان جداگانه ای دارد و هر یک از دانش هایی چون نحو ، بلاغت ، بیان و منطقی نیز نقشی اساسی در تحقق اهداف این علم دارند . و بدون در نظر گرفتن حدود و قواین آن ها چنین علمی به صورت کامل شکل نمی گیرد. بنابراین می توان هدف زیباشناسی را تقبیح یا تحسین امری دانست که وقتی خالق اثر از عهده ی آن خوب برآید ، این هدف محقق می شود و این امر می تواند از زوایای مختلف دینی ، عقلی ، اخلاقی و... مورد بررسی قرار گیرد .

غرض از انتخاب این موضوع برای تحقیق ، آشنایی با ارکان و معیارهایی است که بر اساس آن ها ارزش اثر و کلام ادبی شناخته می شود و با تکیه بر آن ها هنرمند اثری زیبا و قابل قبول خلق می کند و با شناخت این موازین ، زیبایی های کلام برای مخاطب محسوس و نمودار می گردد و در نتیجه تأثیر گذارتر واقع می شود . این امر به مخاطب کمک می کند تا نگاهی دقیق و ریزبین به کلام و اثر ادبی داشته باشد و در ورای ارتباط عناصر آن ،حسن و زیبایی آن را درک کند . چنین نگرشی سبب تأثیر بیشتر بر نفس مخاطب می گردد و به او امکان می دهد تا با تکیه بر این اصول زیبایی ها را عمیق تر احساس کند و مفاهیم موجود در اثر را بهتر در یابد . علاوه بر این مورد که به مخاطب

۱. نقد بر مبنای زیبایی شناسی و تأثیر آن بر نقد عربی، ص ۱۳۸

مربوط می شود ، این نوع نقد در تحلیل زیباشناسانه از اثر ادبی ، یک اصل اساسی را محور کار خویش قرار می دهد و آن بررسی مجموعه ی اثر است نه فقط یک جزء از آن ها . در یک تحلیل هنری ممکن است عناصر و اجزاء به صورت جداگانه در ماهیت ، نقش و کارکرد مورد بررسی قرار بگیرند ، ولی در ارزیابی ، سنجش و تعیین نوع کاربرد آن ها ، باید در مجموعه ای منسجم و پیوسته در کنار یکدیگر قرارگیرند تا با توجه به موقعیت و جایگاهی که در ساختار دارند و نقشی که در انتقال مفهوم ایفا می کنند درباره ی آن ها قضاوت شود. این امر به سبب اهمیتی است که ساختار کلی اثر ادبی و نیز کلام در نقد زیبایی شناسی دارد . این ها نکات مهمی است که سعی شده است اهمیت آن ها یادآوری شود. به طور کلی آن چه باید در این مقدمه مورد توجه واقع شود این است که به اثر ادبی هم می توان با دیدی کلی نگریست و هم جزئی ؛ کلی از نظر پیوستگی و انسجام اجزاء ، و جزئی از نظر تحلیل هنری و فنی تک تک آن ها در یک اثر . و از جهتی دیگر نگاه کلی به اثر بدان جهت است که اثر ادبی نیز با سایر هنرها اشتراکات و شباهت هایی دارد مانند نیاز به ابزار بیانی برای اظهار اندیشه و احساسات مورد نظر . و در عین حال دارای صفات و مختصات است که آن را از سایر هنر ها متمایز می سازد . واسطه ی انتقال مفاهیم در اثر ادبی کلمات هستند که از طریق آمیختن با وزن و باری از احساسات و عواطف ، مضامین مورد نظر را به مخاطب منتقل می کنند و این انتقال مفهوم می تواند به شکل بیان معمولی و عادی باشد و یا با بیانی آراسته از طریق صور خیال و آرایه های کلامی . این ها موضوعات زیبایی شناسی سخن هستند که سهم عمده ای در نقد زیبایی شناسی دارند و آشنایی با آن ها درک زیبایی های سخن را برای ما آسان تر و قابل قبول تر می سازد .

در طی این تحقیق روشن می گردد که چگونه نقد زیبایی شناسی در ادبیات با هنر و فلسفه و نحو گره خورده و بسیاری از مفاهیم خود را از این ارتباط و پیوند گرفته است . در میان منتقدان و ادیبان مسلمان نقد زیبایی شناسی را می توان با مفهوم بلاغت یکی دانست و این نکته را با مراجعه و مطالعه کتاب های مهم عربی چون « نقد الشعر » و « نقدالنثر » قدامة بن جعفر ، « الصناعتین » أبو هلال عسکری ، «البدیع» ابن معنز ، « العمدة » ابن رشیق، و مهم تر از همه « دلائل الإعجاز » و « اسرار البلاغة » عبدالقاهر جرجانی ، می توان دریافت. دو کتاب اخیر عبد القاهر جرجانی از اساسی ترین کتاب هایی است که در بردارنده ی مطالبی کلیدی و ارزشمند درباره ی زیبایی های کلام و معیارهای

آفرینش اثری زیبا می باشد. او در کتاب دلائل الاعجاز خویش نظریات مهمی درباره ی زیبایی های کلام مطرح کرده که حکایت از تکامل فکری او در باب هنر و ادب دارد و نشان دهنده ی اوج بلاغت و زیبایی در عصر وی می باشد. عبدالقاهر از جنبه های مختلف پدیده ی زیبایی سخن را مورد بررسی قرار داده و با طرح «نظریه ی نظم»، میزان و معیار زیبایی کلام و اثر ادبی را تعیین کرده است. ایشان ملاک فضیلت و برتری سخن را در اتحاد اجزاء و مؤلفه های آن می داند و برای هر کدام از عناصر در حالت مفرد ارزش و اهمیتی قائل نیست. این نظریه بعد از گذشت سال ها، هنوز هم تازگی و غنای خود را حفظ کرده و در بسیاری از موارد بر اندیشه های متفکران غرب نیز اثرگذار بوده است.

هدف اصلی در طول بحث اثبات این نکته است که آن چه بعد ها فیلسوفان، ادیبان و منتقدان معاصر چون «بندتو کروچه» و «آیور آرمسترانگ ریچاردز» در زمینه ی زیبایی هنری بدان دست یافتند، سال ها پیش ادیب، منتقد و دانشمند بزرگ اسلامی عبدالقاهر جرجانی بدان دست یافته بود و مباحث و نظریات او بعدها در آرای اندیشمندان بزرگ شرق و غرب نفوذ یافت. هر چند که جریان نقد ممکن است در سیر تکاملی خود از بسیاری از آرای فلاسفه ی یونان باستان و غرب تأثیر پذیرفته باشد اما در این موضوع، یعنی تعیین مجموعه ی منسجمی از معیارها و ملاک های زیبایی هنری، ادیبان و اندیشمندان اسلامی پیش قدم بوده اند و بر آرای غربی ها نیز نفوذ کرده اند.

فیلسوف ایتالیایی بندتو کروچه نیز در مباحث مربوط به زیبایی شناسی هنر، ملاک را در وحدت اجزاء و به طور کلی وحدت شکل و مضمون دانست و ارزش بیان را در تحقق هدف هنر یعنی انتقال مفهوم دانست، چه این بیان عادی باشد و چه آراسته به انواع صور بیانی و آرایه های ادبی. او شکل اثر ادبی را برای بیان افکار لازم می داند و معتقد است افکار بدون بیان و شکل ظاهری موجودیت ندارند و وجود مضمون بدون شکل مفهومی ندارد. بندتو برای عاطفه و خیال نیز در مضمون نقش اساسی قائل است و با زبان فلسفی خود ارزش این دو عنصر را نشان می دهد و در بسیاری از موارد مضمون را به احساسات محدود می کند. دیدگاه های کروچه در بسیاری موارد به عبدالقاهر نزدیک است بدین ترتیب بعد از سال ها غرب به اصولی دست می یابد که این اندیشمند بزرگ اسلامی در سال های دور بدان دست یافته و به شکل منسجم به دنیای ادب و نقد ارائه داده بود.

بین این دو شخصیت و نیز ادیب و منتقدی انگلیسی به نام ریچاردز، شباهت هایی وجود دارد که در جای خود از آن ها بحث خواهد شد. اما درباره ی نحوه ی دست یابی به این وجوه باید گفت

برخی کتب مهم نقد عربی نظیر «النقد الأدبی الحدیث» محمد غنیمی هلال و «مدارس النقد الأدبی الحدیث» عبدالمنعم خفاجی و کتاب «قضايا النقد الأدبی بین القديم و الحدیث» محمد زکی العشماوی به این موضوع پرداخته و در برخی قسمت ها نیز به این اشتراکات اشاره کرده اند. و بسیاری از این نکات مشترک بین این دو شخصیت بزرگ بعد از مطالعه ی کتب مذکور و برخی نشریه ها و مقاله ها حاصل شد.

در طول تحقیق، این موضوع یعنی شباهت های میان عبدالقاهر و کروچه و ریچاردز در نقد و سخن شناسی، مورد بررسی قرار می گیرد و از ابهامات مربوط به آن پرده برداشته می شود و در نتیجه، وسعت و نفوذ دستاوردها و اندیشه های اسلامی در ادب ملل مختلف نمایان می گردد. زیرا از آن جا که تلاش های عبدالقاهر در زمینه ی زیبایی شناسی سخن بسیار عمیق، وسیع و فراگیر بوده است، می توان گفت اندیشه های او در میان اندیشمندان غربی نیز نفوذ یافته و حاصل تلاش های او به عنوان معیاری برای سنجش اثر هنری و بخصوص اثر ادبی قرار گرفته است.

در این تحقیق سعی بر آن است که نقش و جایگاه هر کدام از عناصر تشکیل دهنده ی اثر ادبی نیز تبیین شود و ماهیت آن ها روشن گردد. این موضوع یعنی مبانی زیبایی شناختی در کلام و اثر ادبی، از مهم ترین و قابل توجه ترین مباحث در نقد ادبی است و در طی سال های زیادی ناشناخته بوده و در پرده ی ابهام باقی مانده است. با بررسی نقش و ماهیت هر یک از این عناصر روشن می گردد که ساختار اثر در تکوین خود به تک تک آن ها نیاز دارد و از هیچ کدام آن ها بی نیاز نیست و اهمیت هر یک از آن ها نیز با توجه به جایگاه هر کدام در ساختار تعیین می گردد و در صورت استقلال عناصر از یکدیگر اهمیتی برای آن ها مفروض نیست. به طور کلی در این تحقیق یک شیوه ی نقدی تطبیقی بین علمای اسلامی و غربی در پیش گرفته می شود و در این نگرش تطبیقی تلاش می شود تا درخشش فعالیت های علمای اسلامی و نفوذ آن در آثار منتقدان در فرهنگ های دیگر نیز نشان داده شود.

اغلب دانش پژوهان در حوزه ی ادبیات عربی با بلاغت، فصاحت و شروط زیبایی کلام و اثر ادبی تا حدودی آشنایی دارند، اما آن چه در این جا برای ما اهمیت دارد ارتباطی است که در این زمینه میان ادبای اسلامی و غربی وجود دارد. و بارزترین نوع این ارتباط نیز انعکاس اندیشه های ادیب بزرگ اسلامی عبدالقاهر در آراء اندیشمندان و ناقدان غربی نظیر بندتو کروچه و ریچاردز و ساموئل تیلر

کولریج می باشد. این نشان دهنده ی میزان تأثیر و عمق اندیشه های دانشمندان و ادیبان اسلامی است و اهمیت مسأله نیز همین جا روشن می گردد. زیرا صرف بررسی بلاغت در زبان عربی نیازی را از حوزه ی نقد برطرف نمی سازد، اما نگاهی جامع به این موضوع و در نظر گرفتن پیوند میان نقد اسلامی و غربی، اهمیت نقد زیبایی شناختی را دو چندان می کند. و درست است که نقد در بسیاری جهات از غرب و بالأخص یونان سرچشمه گرفته و حتی بر اندیشه های عربی و اسلامی نیز تأثیر گذار بوده است، اما در این مسأله یعنی اصل نظم و وحدت اجزاء اثر هنری، اندیشمندان و علمای اسلامی گوی سبقت را از غربی ها ربوده و بر آرای آن ها نیز نفوذ یافتند و داوری ها و سنجش های آن ها را تحت تأثیر قرار دادند.

البته در میان علمای غرب نیز زیباشناسان در صدد کشف اصولی برای زیبایی اثر هنری برآمدند و دامنه ی مفاهیم آن را با توجه به گرایش های خاص خود گسترش دادند. برخی آن را در لذت و سودمندی می دانستند و برخی دیگر در چارچوب اخلاقی یا اجتماعی و... می دانستند. دیدگاه ها در این خصوص متفاوت است و طی دوره های مختلف دامنه ی زیبایی به تبعیت از اندیشه های حاکم رنگ و بوی خاصی می گیرد و غایت و وظیفه ی آن نیز با توجه به رویکردهای غالب مشخص می گردد. ولی آن چه در همه ی این نظریات مشترک است، اعتقاد به اصل وحدت در میان عناصر تشکیل دهنده ی اثر ادبی است. چنان چه در بررسی های نقدی معاصر نیز می توان تلاش منتقدان و ادیبان را در زمینه ی این موضوع مشاهده کرد.

قضیه ی اصلی نقد زیبایی شناسی در اثر ادبی، چه در قدیم و چه عصر جدید مربوط به قضیه ی لفظ و معنی یا شکل و محتوا می باشد. و ارزشمندترین نقد آن است که به اثر به عنوان یک مجموعه ای بنگرد که میان اجزای آن انفصال ممکن نیست، مگر فقط به جهت تحلیل هنری که باید به صورت جداگانه مورد بررسی قرار بگیرند. اما در ارزیابی آن کل مجموعه در نظر گرفته می شود؛ چرا که غایت هر اثر هنری یک چیز است و آن انتقال مفهوم به مخاطب است. این غایت به کمک ابزاری محقق می شود که مجموعه ی اثر را شکل می دهند و قابل تفکیک از آن نیستند و ارزش آن ها به همان میزانی است که برای محتوا در نظر گرفته می شود. و بدون این واسطه ها و ابزار، اندیشه ها، افکار و احساسات موجودیتی ندارند. البته این وحدت و انسجام زوایای دیگری نیز دارد که تأمل در آن برای درک اثر هنری خالی از فایده نیست. این پیوند و ارتباط شامل منطق، ادراک، خیال و

عاطفه نیز می باشد ، یعنی باید در میان این عناصر نیز قائل به وحدت بود ، زیرا بدون پیوستگی و انسجام این اجزاء ، اثری شکل نمی گیرد . پیوند میان شکل و محتوا از مهم ترین شاخه های نقد زیبایی شناسی است که ریشه های آن از یونان باستان در نزد بزرگانی چون ارسطو و افلاطون نشأت گرفت و سپس سیر تدریجی خود را در شرق و غرب پیمود و در دوره های مشخصی به اوج کمال هنری رسید .

«گوتلیب بومگارتن آلمانی (۱۷۱۴-۱۷۶۲م) اولین کسی بود که در نیمه ی دوم قرن هجدهم میلادی اصطلاح فلسفه ی زیبایی شناسی یا استتیک را به کار برد . «آین دوره آغاز بحث زیبایی شناسی به عنوان یک علم مستقل بود و مسیر را برای منتقدانی که با تصورات خود چارچوب آن را مشخص می کردند ، روشن ساخت .

با گذشت زمان ، زمینه برای کشف و بررسی جوانب مختلف اثر هنری مهیا گردید و بحث های بلاغی و زیباشناختی سخن گسترش یافت . در این باب سخن از موضوعات زیبا و جذابی چون ذوق ، خیال ، عاطفه و کیفیت بیان آن ها گسترش یافت و افق های جدیدی فرا روی منتقدان گشوده شد که ملاک های فراوانی را برای ارزیابی اثر ادبی و هنری در اختیار آن ها قرار می داد . زمانی که زیبایی شناختی در غرب مطرح شد فیلسوفان و علمای بزرگی نظیر کانت ، هگل ، بندتو کروچه و دیگران به بررسی های زیباشناختی پرداختند و در همان ایام مسلمانان نیز در راستای نقد زیبایی شناسی حرکت می کردند و ادیبان و منتقدان بسیاری در این زمینه پرورش یافتند . و از همان ابتدای پیدایش بلاغت سخن و شعر و شاعری در میان آن ها ، بارقه های چنین نقدی شروع به درخشیدن کرد و مسیری تکاملی را طی کرد تا به مرحله ای رسید که به دست عبدالقاهر به کمال هنری رسید و امکانی فراهم شد تا منتقدان و عالمان دیگر مفاهیم خود را از او الهام بگیرند .

تأثیراتی که این عالم بزرگ بر حوزه ی نقد و ادب سرزمین های مختلف داشته امری مسلم و انکار ناپذیر است . نقدی که از مجالس سوق عکاظ و مرید آغاز شد ، در زمان عبدالقاهر به پختگی رسید و بعدها ناقدان معاصر نیز دریافتند که آن چه بزرگانی چون عبدالقاهر جرجانی از خود به یادگار گذاشتند ، در بردارنده ی اندیشه ها و آراء گران بهائی است که به قلم ارزشمند او نگاشته شده و اکنون همچون گنجینه ای ارزشمند است که همه ی ادبا ، ناقدان و شعراء از آن بهره می گیرند و آن

را سرلوحه ی کار خویش قرار می دهند و با رعایت حدود و قوانین آن ، اثر هنری زیبایی را خلق می کنند .

با نگاهی به سیر نقد و بلاغت قبل از عبدالقاهر ، زیبایی و اهمیت دیدگاه او آشکارتر می شود ، زیرا پیش از او اختلاف نظر ها راجع به اثر ادبی و عناصر تشکیل دهنده ی آن موجب یک جانبه گرایی در امر قضاوت ادبی می گشت و اثر هنری را از جایگاه اصلی خود دور می ساخت . به طوری که برخی منتقدان و ادیبان به ظاهر اثر ادبی اهمیت می دادند و برخی به محتوای آن . این ها مباحث مربوط به نقد و بلاغت است که جایگاه گسترده ای را در ادبیات به خود اختصاص داده است . نقد در آغاز پیدایش خود ، با توجه به گرایش های مختلف صاحب نظران تحت تأثیر قرار می گرفت ، یعنی به سمتی سوق داده می شد که دیدگاه شخصی آن ها برآن حکم می کرد ، در برخی موارد نیز به تبعیت از اندیشه های عصر و محیط تغییر می کرد . در این میان نقد زیبایی شناسی بر آن بود تا مستقل از این عوامل عمل کند و اثر را از جنبه ی ذاتی بررسی کند و مورد ارزیابی قرار دهد .

عبدالقاهر نظریه ای ارائه داد که تا آن زمان در بلاغت و نقد ادبی مطرح نشده بود ، او دیدگاه های مختلف نقدی را تحت اندیشه ای واحد در آورد . دلائل الإعجاز و أسرارالبلاغه ی او مجموعه ای است مشتمل بر ارزشمندترین و مهم ترین نظرات او در زمینه ی بلاغت و زیباشناسی سخن . آراء و نظریات او راه گشای پژوهش ها و بررسی های مهمی بود که در پیش برد نقد زیبایی شناسی نقش مهمی را ایفا کرده است .

این تحقیق در چهار فصل طراحی شده که فصل اول آن در زمینه ی پیشینه ی زیبایی شناسی سخن و بلاغت آن در نزد مسلمانان و اندیشمندان غربی است . در دوران اولیه ی پیدایش ادبیات و شعر و شاعری در میان مسلمانان ، زیبایی هنری و ادبی با مفهوم بلاغت پیوند خورده و گویی زیبایی شناسی نزد آن ها با عنوان بلاغت مترادف بوده است . یک پژوهشگر در بررسی سیر تکاملی بلاغت در میان مسلمانان ، به کتب مهمی بر می خورد که حاوی نکات ارزنده ای در باره ی نقد زیبایی شناسی است و چارچوب فکری اندیشمندان و ادیبان آن ها را نشان می دهد .

با تلاش هایی که در راستای تاریخ زیبایی شناسی سخن در ادبیات عربی صورت گرفت ، می توان دریافت که زیبایی سخن دارای اصول و شرایطی است که با بلاغت یکی می باشد ، به همین جهت است که این دو عنوان در ردیف یکدیگر قرار می گیرد .

در عصر جاهلی اصطلاح زیبایی شناسی مطرح و شناخته شده نبود، ولی ادبا و منتقدان به طور ناخودآگاه با آن سر و کار داشتند. آن ها زمانی که به نقد آثار یکدیگر می پرداختند در واقع آن را از جهت زیبایی نیز مورد قضاوت قرار می دادند تا میزان رد یا قبول آن را در میان مخاطبان تشخیص دهند، پیداست که شرط زیبایی هر اثری ابتدا در رعایت قوانین اساسی مربوط به آن است، مثلاً در باب کلام باید الفاظ با نظم صحیحی کنار هم قرار گیرند و تشخیص صحت این مسأله برعهده ی علوم مختلف از جمله دانش نحو می باشد. بدین ترتیب زیبایی شناسی با علوم مختلفی سر و کار دارد که در شناسایی ماهیت این علم نیز کمک فراوانی به حوزه ی نقد می کنند. نقد زیبایی شناسی در ادبیات عربی در عصر عباسی شکوفایی شد، در این دوره نیز زیبایی شناسی با عنوان بلاغت مطرح بود و کتاب های فراوانی در این دوره نگاشته شد که با رجوع به آن ها می توان از وضعیت این نقد و میزان پیشرفت آن آگاه شد.

قسمت دیگر این فصل گذری بر تاریخ زیبایی شناسی در میان منتقدان و فلاسفه ی غرب می باشد که نخستین بارقه های آن از زمان ارسطو و افلاطون شروع به درخشیدن کرد و با طرح نظرات مختلف در باب ادب مسیر برای گسترش روند نقد زیبایی شناسی فراهم شد. از جمله مهم ترین موضوعات که در این زمینه مطرح شد، مسأله ی وحدت عضوی در خلق ادبی و موضوع محاکات بود که از سوی فیلسوفان بزرگ یونان مطرح شد. با گذشت زمان این جریان زیبایی شناسی در میان آن ها نیز در حال پیشرفت بود و در دوره های مختلف فلاسفه معیارهایی برای آن مطرح می کردند و در دوره ی معاصر «بندتو کروچه» منتقد ایتالیایی و «ریچاردز» منتقد انگلیسی، آرائی در معیارهای زیبایی کلام و اثر ادبی مطرح کردند که شبیه آراء دانشمندان و ادبای اسلامی بود.

فصل دوم تحقیق در معرفی مبانی زیباشناختی سخن می باشد. در این فصل، عناصر تشکیل دهنده ی اثر ادبی از نظر ماهیت، نقش و کارکرد مورد بررسی قرار می گیرند و این عناصر عبارتند از لفظ، معنی، عاطفه، خیال و موسیقی که اساسی ترین مؤلفه های شکل دهنده ی اثر ادبی به شمار می روند و در واقع با پیوند و ترکیب صحیح آن هاست که اثر موجودیت پیدا می کند و مفهوم آن به صورتی دقیق و شایسته منتقل می شود و زیبایی اثر نیز در گرو وحدت این عناصر است.

فصل سوم مربوط به بررسی شیوه ی نقدی تحلیلی عبدالقاهر در زیبایی شناختی کلام است. نظرات عبدالقاهر در حوزه ی زیبایی شناسی در ادبیات، بر پایه مبانی ای چون نقش کلمات در